

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران

تلفن ۰۰۴۹۱۶۳۳۴۵۸۰۰۷

E_mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان

تلفن ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

E_mail:

abdolgolparian@yahoo.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

منصور حکمت

www.m-hekmat.com



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۲ آبان ۱۳۸۷، ۱۲ نوامبر ۲۰۰۸

سر دبیر: منصور فرزاد mansoorfarzad@yahoo.se

یاد رفیق جعفر شفیعی چهره شناخته شده جنبش کمونیستی ایران گرامی باد!



عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران بود. دکتر جعفر شفیعی تا آخرین لحظه زندگی اش با شور و شوق برای هموار کردن امررهائی کارگران و زحمتکشانش و بنیاد نهادن جامعه سوسیالیستی خستگی ناپذیر تلاش کرد.

رفیق جعفر شفیعی در آبانماه ۱۳۶۶ هنگام انجام ماموریت تشکیلاتی در تصادف جان باخت. یادعزیزش را با ادامه تلاش برای رسیدن به آرمانش گرامی میداریم.

رفیق جعفر شفیعی از مبلغین پرشور و یکی از رهبران برجسته جنبش سوسیالیستی در کردستان و چهره ای محبوب در میان مردم بود. دکتر جعفر که در کلیه تند پیچهای مبارزات مردم قبل و بعد از انقلاب ۵۷ فعالانه شرکت داشت با مسائل و مشکلات متعدد جنبش کمونیستی ایران آشنا بود و توانست نقش برجسته ای در نقد گرایشهای فکری غیر کارگری ایفا کند و با تمام توان تلاش کرد که ایده ها و افکار کمونیستی را گسترش دهد. وی عضو کنگره موسس حزب و



ناصر اصغری

بعضی از نویسندگان حزب حکمتیست که حتی بلد نیستند با نیروی اپوزیسیون مثل اپوزیسیون

مصاحبه ایسکرا با جمعی از کادرهای حزب بمناسبت سالگرد تاسیس حزب کمونیست کارگری ایران

پاسخ به سؤال شما من فقط به سرخط این شرایط، ضرورت سیاسی و تاریخی آن اشاره مختصری می کنم. پیشتر لازم میدانم به تاریخ آغاز جریان کمونیسم کارگری اشاره ای داشته باشیم.

شکلگیری نطفه های گرایش کمونیسم کارگری بر می گردد به مقطع انقلاب ۵۷ در ایران. بارقه صفحه ۲

ایسکرا: به هفدهمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری نزدیک می شویم. حزب در چه شرایطی و در پاسخ به کدام ضرورت سیاسی و تاریخی تاسیس شد؟

عبدال گلپریان: در این مورد قبلا بسیار گفته و نوشته ایم. اما در

به مناسبت نزدیک شدن به هفدهمین سالگرد حزب کمونیست کارگری ایران، ایسکرا با جمعی از کادرهای گفتگویی انجام داده است که در این شماره منتشر میشود. در این گفتگو رفقا: عبدال گلپریان، محمد امین کمانگر، یدی محمودی و منصور فرزاد شرکت داشته اند.

تعدد زوجات و خشونت بر علیه زنان در کردستان عراق



منصور فرزاد

روزنامه های کردستان عراق نگاهی بیندازیم با اخباری از این دست روبرو میشویم: " دختری با طناب خود را خفه کرد " " دو خواهر به دست پدر و برادرانش به قتل رسیدند " دختری که میخواست خود را بسوزاند نجات داده شد و در اثر شدت سوختگی به بیمارستان منتقل شد " دختری با روسری اش خود را خفه کرد " زنی بشدت سوخت " زنی از طبقه دوم به زمین پرتاب شد و جانش را از دست داد " مردی زنش را در کوچه با لگد و مشت کشت " مردی با شلیک گلوله خواهرش را کشت " و دهها خبر از این نوع هر روزه در سایتها و روزنامه ها درج میشود. تا کنون هزاران زن و دختر به قتل رسیده اند و یا در اثر فشار بیش از

صفحه ۳

زنان را رسمیت بخشیدند. تحت نام دفاع از ناموس و شرف، دفاع از مقدسات اسلامی، فرهنگ مردم (فرهنگ کردایه تی) جهنمی بویژه برای زنان و کودکان برپا کرده اند که خودشان از ابعاد سبعیتی که بر علیه زنان انجام گرفته به وحشت افتاده اند.

کشتن زنان و دختران، خود سوزی هر روزه در گوشه و کنار این منطقه، تحت حاکمیت احزاب ناسیونالیست کرد، اتفاق می افتد. دست عشایر و جریانهای لپن اسلامی و دستجات مسلح را باز گذاشته اند. بی دلیل نیست که از کردستان عراق به نام قتلگاه زنان نام برده میشود. زیرا در این منطقه خود سوزی و کشتن زنان امری عادی شده است. اگر به سایتها و یا

در تاریخ ۲۷ اکتبر ۲۰۰۸ پارلمان کردستان عراق قانون تعدد زوجات را تصویب کرد. تصویب این قانون بمعنی تغییر دادن قانون دیگری در این رابطه نبود زیرا که در دوران هفده ساله حکومت آنها بر کردستان عراق، خشونت مداوم و روزمره بر علیه زنان بطور سیستماتیک انجام گرفته بود. این حکومت نه تنها قانون حقوق فردی دوران صدام حسین را عملا به پیش میبرد بلکه خشونت بر علیه زنان با شدت بیشتری ادامه یافت. در واقع با تصویب این قانون خشونت ۱۷ ساله بر علیه مردم کردستان و بویژه

گارد آزادی و اهدافش!

برخورد کنند و در برخورد با آنها فرقی بین آنها و رژیم جمهوری اسلامی قائل شوند، در چند روز اخیر دو نوشته از قلم محمد فتاحی و صالح سرداری منتشر کرده اند که در بین نیروهای اپوزیسیون می روند که

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ادامه از صفحه ۱

گفتگو با عبدل

های این جریان با تحلیلی مارکسیستی از شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از جامعه ایران و همچنین نقد تمامی گرایش‌های چپ غیر کارگری آن دوره، جریان‌های ضد امپریالیست و انواع نگرش‌های مانوئیستی و متأثر از کمونیسم روسی و غیره توسط منصور حکمت و بر بستر انقلاب ۵۷ متولد شد. اولین قدم موثر در ادامه این نقد مارکسیستی و یکی از دستاوردهای با ارزش و تاریخی جریان کمونیسم کارگری تشکیل حزب کمونیست ایران در سال ۱۳۶۲ است. در اینجا قصد وارد شدن در جزئیات و پروسه تشکیل حزب کمونیست ایران را ندارم اما همین اندازه خاطر نشان کنم که یکی از دستاوردهای جریان کمونیسم کارگری تشکیل حزب کمونیست ایران بود که به نوبه خود پاسخ به نیاز و ضرورتی بود که در گرما گرم انقلاب پاسخ نگرفته بود. در غیاب چنین حزبی، نه تنها انقلاب مردم مصادره شد بلکه این انقلاب توسط حکومت اسلامی سرکوب و به خون کشیده شد. تشکیل حزب کمونیست ایران همچنین باعث شد که طیف وسیعی از سازمانها، نیروهای سیاسی مختلف زیر چتر آن قرار گیرند. از یک سو برای حفظ و مصون نگه داشتن این نیروها از ضربات بیشتر توسط رژیم اسلامی و از سوی دیگر برای سازماندهی طبقه کارگر و کل جامعه و همچنین تقابل با رژیم ضد انقلاب اسلامی. در یک جمله می‌خواهم بگویم که جریان کمونیسم کارگری تا قبل از تشکیل حزب کمونیست کارگری در سال ۱۹۹۱ چنین پیشینه‌ای داشته است که خود بحث مفصل و جداگانه‌ای را می‌طلبد. اشاره به نقش و جایگاه و این پیشینه از این رو لازم است که بتوان ضرورت حرکت‌های بعدی و از جمله تشکیل حزب کمونیست کارگری را در یک روند تاریخی و منطقی توضیح داد.

تشکیل حزب کمونیست کارگری بر میگرده به مقطع فروپاشی شوروی و بلوک شرق. بدنبال پایان جنگ سرد و پیروزی بازار آزاد بر ملل سرمایه داری دولتی در شرق، سرمایه داری بازار آزاد همراه با خیل سخن‌گوییانش و با تمام نیروی

تبلیغاتی اش مرگ کمونیسم را جار زدند. این مقطع را همه بیاد داریم که زمزمه های این فروپاشی در بلوک شرق پیشتر شروع شده بود. در حالی که تهاجم وسیعی علیه کمونیسم علیه آزادیخواهی و علیه امید و آرزوهای مردم شروع شده بود و تمامی احزاب و نیروهای به اصطلاح "چپ و سوسیالیست" در ابعاد جهانی اسامی خود را عوض می کردند و یکی پس از دیگری در ستایش دمکراسی و بازار آزاد ندا سر می دادند، کمونیسم کارگری منصور حکمت پرچم دفاع از مارکسیسم را بلند کرد. همزمان با این رویداد بین المللی در عراق نیز تحولاتی صورت گرفت و بخش شمالی یعنی کردستان عراق توسط نیروهای نظامی آمریکا در جنک آمریکا بر علیه عراق در اختیار احزاب ناسیونالیست قرار گرفت. در درون حزب کمونیست ایران هم گرایش‌های موجود بود که نه تنها هیچگاه اشتباهی این را نداشتند که به مضاف با عربده های بورژوازی در سرودن مرگ کمونیسم بروند، بلکه دورنمایان همان دورنمای جریانات ناسیونالیستی موجود در کردستان عراق بود. در چنین مقطعی است که برای کمونیسم کارگری و منصور حکمت، حزب کمونیست ایران دیگر آن ظرفی نیست که پاسخی برای اوضاع جدید باشد. در چنین شرایطی است که ضرورت تشکیل حزبی از جنس حزب کمونیست کارگری بعنوان ابزاری عاجل در مضاف با اوضاع جهانی، در دفاع از مارکسیسم، در دفاع از انسانیت و در دفاع از اهداف و آرزوهای بشری که مورد تهاجم انواع دشمنان کمونیسم و کارگر قرار می گرفت، در دستور کمونیست‌های کارگری به رهبری منصور حکمت قرار گرفت. بنا بر این حزب کمونیست کارگری با این پیشینه تاریخی، در ۱۷ سال قبل (۳۰ نوامبر ۱۹۹۱ برابر با ۱۰ آذر ۱۳۷۰) تشکیل شد. تاریخ این ۱۷ سال به نوبه خود مملو است از افتخارات، پیشروی ها، دستاوردهای عظیم عملی، تئوریک و نظری که در عرصه های مختلفی در داخل و خارج از ایران هنوز که به قدرت نرسیده است منشا اثر و تغییر

در جامعه و در زندگی انسانها بوده است.

ایسکرا: اگر بخواهید از تلاش‌های حزب در عرصه های مختلف صحبت کنید به چه جوانبی خواهید پرداخت؟ ارتباط این عرصه های گوناگون با یکدیگر را چگونه توضیح می دهید؟

عبدل گلپریان: یکی از عرصه های فعالیت حزب مربوط است به یک تلاش تاریخی و بی نظیر تئوریک توسط منصور حکمت بعنوان سازنده ۳ حزب کمونیستی تاریخ معاصر در ایران و عراق. این دستاورد تئوریک برای تغییر در وارونگی دنیای امروز به نوبه خود بر تمامی احزاب و نیروهای سیاسی بنام چپ نیز تاثیر تعیین کننده ای داشته است. به لحاظ پراتیکی، حزب نقش مستقیم و دخالتگرانه ای در مبارزات طبقه کارگر در اعتراضات روزمره، جا انداختن اهمیت فعالیت و مبارزه متشکل، تغییر در توازن قوای مبارزاتی کارگران در مقابل دولت و کارفرمایان داشته است، دخالت و تاثیر گزاری بر جنبش های اجتماعی نظیر مبارزات زنان، دانشجویان، تبدیل مسئله کودکان به مسئله مبارزات اجتماعی مردم، جلوگیری از اعدام و سنگسار در ایران و بسیاری از عرصه های دیگر همچون دفاع از حق پناهندگی که این حزب در طول موجودیت تاکنونی اش توانسته است بسیاری از انسانهای فراری از دست رژیم آدم کش اسلامی را نجات دهد. مهمترین عرصه دیگر کار حزب و برای سمت و سو دادن، سازماندهی و رهبری کردن مبارزات کل جامعه علیه رژیم جمهوری اسلامی، مجهز شدن به یک رسانه بین المللی (کانال جدید) است که امروز دیگر می توان این حزب را در خانه میلیونها انسان در ایران و خارج از ایران دید، با آن حرف زد، درد دل کرد، رهنود خواست، پای صحبت و روشنگریهای رهبران این حزب برای سازماندهی انقلاب نشست. این رسانه اکنون به تنها نقطه امید مردم در ایران تبدیل شده است. هر کدام از این عرصه ها و بسیاری عرصه های دیگر و در ابعاد بین المللی، می تواند موضوع بحث و بررسی چندین کنگره و کنفرانس باشد. عرصه های مختلفی که حزب با آنها درگیر است علی رغم اینکه

از همدیگر مجزا هستند اما مابین همه آنها ارتباط تنگاتنگی وجود دارد که بستر یکسان و هماهنگ آنرا می توان در پاسخ به نیازهای واقعی انسان توضیح داد. یعنی بازگرداندن اختیار به انسان، یعنی به زیر کشیدن رژیم سرمایه داری و ضد بشری جمهوری اسلامی، یعنی لغو کار مزدی، برچیدن مالکیت خصوصی، یعنی برقراری جامعه ای آزاد، برابر و سوسیالیستی و در یک کلام رهایی انسان از فقر، فلاکت و بی حرمتی و به این اعتبار این عرصه ها به همدیگر مربوط و متصل هستند.

ایسکرا: نقش حزب در مبارزات مردم در کردستان را چگونه ارزیابی می کنید؟

عبدل گلپریان: حزب نقش تعیین کننده و تاریخی در مبارزات مردم کردستان را داشته است. وقتی می گویم تاریخی به این اعتبار که نقش حزب در مبارزات مردم کردستان مختص به این ۱۷ سال نیست. در پاسخ به سوال اول شما اشاره کردم که تاریخ جریان کمونیسم کارگری به انقلاب ۵۷ بر می گردد. تشکیل حزب کمونیست ایران اساسا با شرکت و نیروی اصلی یعنی اتحاد مبارزان کمونیست و کومه له شکل گرفت و به همین اعتبار کمونیسم کارگری در کردستان پیشینه ۳۰ ساله ای دارد. در همان دوران نقش حزب و اهداف و سیاستهایش که توسط منصور حکمت ارائه میشد، خط و سیاستی بود که فعالیت کومه له در این دوران یعنی از سال ۱۳۶۲ الی ۱۳۷۰ به مدت ۸ سال از نظر پراتیکی رقم می زد و بر روند مبارزه مردم که بعضا متأثر از سنت احزاب ناسیونالیستی کرد بود سرعت دستخوش تغییر و تحولات مهمی گردید. استعداد و جذب اهداف و سیاستهای جریان کمونیسم کارگری درون حزب کمونیست ایران در میان مردم کردستان و بویژه کارگران، با اشتیاق امری پذیرفته شده بود. یکی از دلایل این پذیرش در واقع تجارب و گرایش عمومی مردم در اوایل انقلاب ۵۷ ایران و در کردستان بود که تجربه تشکیل شوراها را داشتند. شورای شهر سنندج و شوراهای محلات شهر و اداره شهر، پی بردن به قدرت و اراده آگاهانه در این راه از فاکتورهایی بود که با اهداف و سیاستهای کمونیسم کارگری

همخوانی داشت. در همان دوران تقریبا در سال ۶۴ الی ۶۵ شاهد برگزاری مراسم های روز جهانی کارگر در شهرهای کردستان بودیم. به میدان آمدن طبقه کارگر و مبارزات کارگری برای کسب خواست و مطالباتش، رعدی در آسمان بی ابر نبود. اینها و بدنبال آن گرامیداشت روز جهانی زن و متعاقب آن ارج نهادن به حقوق کودک در کردستان را بدون تاریخ این جریان و بدون حزب کمونیست کارگری کسی نمی تواند توضیح دهد. فضای چپ، سوسیالیستی و آزادیخواهانه در جامعه کردستان با تنیدن در افق، سیاستها و عملکرد حزب کمونیست کارگری قابل تعریف است.

از سوی دیگر گرایش‌های چپ، رادیکال و سوسیالیستی یکی از پایه های قوی در مقابل گرایش‌های راست و ناسیونالیستی خود را متبلور ساخته است. در نتیجه علاوه بر نقش و تاثیرات تاریخ کمونیسم کارگری و تاثیرات آن بر روند مبارزات مردم، در ۱۷ سالی که از تاریخ تشکیل حزب کمونیست کارگری می گذرد، حزب تاثیرات قابل توجهی بویژه بر مبارزات کارگری، جنبش دفاع از حقوق برابر زن و مرد، دفاع از حقوق کودک، جنبش خلاصی فرهنگی جوانان داشته است. حاشیه ای کردن ناسیونالیسم و جریانات قوم پرست کرد بدون تاثیر و دخالت حزب کمونیست کارگری غیر ممکن بود. نقد عمیق و ریشه ای مذهب، عرصه ای دیگر از تلاش حزب برای عقب زدن و افشای هر گونه عوامفریبی و قوانین و فرامین مذهبی، این افیون را که توسط نهادها و دم و دستگاه حکومت اسلامی به میدان آورده شده بود کنار زده است.

ایسکرا: در فاصله همین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری چه پیامی برای مردم شهرهای کردستان و مشخصا فعالین عرصه هایی که نام بردید دارید.

عبدل گلپریان: پیام من به مردم این است که تا جایی که برایشان امکان دارد این روز را جشن بگیرند و گرامی بدارند. اهمیت گرامیداشت سالگرد حزب در این است که این حزب صدای مردمی است که ۳۰

ادامه از صفحه ۱ تعدد زوجات و خشونت بر علیه ...

حد خود سوزی را بر زندگی جهنمی ای که این سرداران غیور حافظ شرف و ناموس، مرد سالار و مرتجع فراهم کرده اند، ترجیح داده اند.

طه برورای یکی از وزرای حکومت کردستان میگوید: "خوشبختانه اکنون درصد خودسوزی و کشتن زن‌ها نسبت به سال‌های قبل کمتر شده است طبق آمار از ماه ۱ تا ماه ۸ امسال (۲۰۰۸) مجموعاً در کردستان ۸۰ زن به قتل رسیده اند و ۲۱۵ نفر خودشان را سوزانده اند که به نسبت سال‌های قبل خیلی کمتر است." و در عین حال اظهار امیدواری می‌کند که "مایه خوشحالی است که محدودیت‌های زیادی بر قانون تعدد زوجات گذاشته شده است." محمد حکیم رهبر فراکسیون اسلامی درون پارلمان تعدد زوجات را امری الهی میدانند و از پیغمبرش نقل قول می‌آورد که گرفتن زن دوم و سوم مسئله‌ای شرعی است و هیچ کس نمیتواند بر علیه آن باشد. اما میتوان محدودیت‌هایی قائل شد. این مرد خرفت و متحجر از پیغمبرش نقل می‌کند که تنها شرط در تعدد زوجات، عمل کردن بشیوه پیامبر است که در قرآن نیز آمده است و آن این است که در تأمین زندگی و هم

ناشی از سیاست نظم نوین جهانی به رهبری آمریکا بود که با حمله به عراق در اوائل دهه ۹۰ آغاز شد. کردی‌ها تی که پایه اصلی ایدئولوژی و دورنمای احزاب حاکم بر کردستان را تشکیل میدهد همواره با مذهب و خرافات رابطه تنگاتنگ و نزدیکی داشته است. یک بخش جدائی ناپذیر ناسیونالیسم کرد ضدیت با سکولاریسم، سوسیالیسم و به تبع آن برابری زن و مرد است. در کردستان عراق صف اعتراضی کارگران به گلوله بسته شد، رهبران کارگری و فعالین اجتماعی تحت پیگرد قرار گرفتند و خانه‌های امن برای زنان به آتش کشیده شد و فعالین آن تهدید به مرگ شدند. اگر ۱۷ سال پیش طرح این واقعیت که کردی‌ها تی به معنی دوستی با مردم کرد نیست، بلکه این سیاست کسانی است که می‌خواهند منافع و امتیازهای خود را حفظ کنند، با ناباوری بخشی از مردم روبرو میشد. اکنون مردم خود با نمونه‌های بسیار زنده این واقعیت را هر روز در مجالس و جمع‌های خانوادگی و کوچه و خیابان بازگو میکنند.

مردم ثروت و مقامات و حاکمان کردستان و دوروبری هایشان را با فقر و عدم برخورداری خود از حداقل امکانات زندگی مقایسه میکنند. برخورداری از بهداشت، دارو، غذا، پوشاک و مدرسه مناسب، آزادی‌های سیاسی، حق سلامتی و غیره

مسئله هر روزه و همیشگی مردم بوده است. آنگاه به مسائل و مشغله‌های حاکمان توجه کنید چه ربطی بین این دو می‌توان دید. طبق فاکت‌هایی که در روزنامه‌ها نیز درج شده است، صدها تجاوز و سوئی استفاده جنسی از طرف مقامات و یا مسئولین رده‌های مختلف حکومت انجام گرفته است. بی‌کاری، ترس از آینده، فقر، از هم پاشیده شدن خانواده‌ها، عدم امنیت، برقراری فضای ترس و وحشت، گسترش و رشد نفوذ مذهب در زندگی مردم و مرد سالاری واقعیات جامعه کردستان عراق است.

حاکمان به مسائل پایه‌ای مردم توجهی نداشته اند و در عوض برای توجیه حکومت و چپاول خود، مردم را اسلامی خوانده اند تا مانع بروز خواسته‌های واقعی‌شان شوند. تاریخ مبارزات مردم را تحریف کرده و با سانسور و دور زدن نقش و تأثیرات واقعی جریان‌های سکولار و سوسیالیست، این تاریخ را به مبارزه ناسیونالیست‌ها برای "رهائی مردم کرد" محدود کرده اند. تاریخی که در آن زن تحقیر شده و بی نقش است. مذهب هم‌طراز مکاتب فکری و اجتماعی پیشرو قلمداد شده است. در این تاریخ در حالی‌که آزادی‌های سیاسی، رفاه، آسایش، ابراز همدردی و هم سرنوشتی با مردمان جوامع دیگر، جدائی دولت از مذهب، افتخار به علم و تلاش برای سعادت

بشر، برابری زن و مرد و آخرین دستاوردهای تمدن بشری را وارداتی و غیر خودی مینامند و به تمسخر میکشند، سنن و افکار عهدعتیق، فرهنگ عشایری و اسلامی، بی حرمتی و تحقیر زن را خودی و فرهنگ مردم مینامند تا بتوانند آنرا تحمیل کنند. اشاعه فرهنگ مرد سالار و مذهبی در کردستان عراق و نابود کردن زنان از نظر جسمی و روانی تنها گوشه‌ای از مصیبتی است که احزاب و جریان‌های ناسیونالیستی کرد بر مردم تحمیل کرده اند که تأثیر مستقیم آن در وهله اول بر کودکان است و طبیعتاً دامن کل جامعه را در بر گرفته و جامعه را بشدت بیمار کرده است.

بر علیه این موج خشونت و مدافعین آن باید ایستاد. مدافعین برابری زن و مرد، سکولارها، سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها میبایست با استفاده از امکانات مختلف و بشیوه‌های گوناگون مبارزه علیه قوانین ارتجاعی ضد زن در کردستان عراق را سازماندهی و رهبری کنند. بویژه کمونیست‌ها و تشکلهای مختلف مدافع حقوق برابر زن و مرد چه در عرصه سیاسی و چه در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی میتوانند نقش بسیار موثری ایفا کنند. باید این صف ضد انسانی اتحاد مذهب و ناسیونالیسم را عقب نشاند.

عرصه‌های دیگری نیز شد. خصلت دیگر حزب ما، دامن زدن به جنبش شورائی و بر پائی جمهوری سوسیالیستی است. ما معتقد به مرحله بندی انقلاب نیستیم و سرمایه داری را بانی و عامل فقر، فلاکت، بی حقوقی و بی کاری و ... میدانیم. معتقد هستیم که حتی بیشترین اصلاحات ریشه مسائل و مشکلات را از بین نمی برد. البته یکی از معدود احزابی هستیم که در جهت بهبود وضعیت اقتصادی، رفاهی و سیاسی در صف مقدم ظاهر میشویم. ما سوسیالیسم را بعنوان يك راه حل عملی طرح کرده ایم. ما معتقدیم که باید تحولات بنیادی در اقتصاد انجام گیرد و به این منظور حزب باید قدرت سیاسی را بگیرد و سازمان دولتی را بر اساس شوراها

گفتگو با منصور فرزند در باره سالگرد

تاسیس

ایسکرا: وجوه تمایز حزب با سایر جریان‌هایی که خود را چه می‌دانند را در چه می‌بینید؟ منصور فرزند: جنبه‌های مختلفی را می‌توان در این رابطه نام برد. یکی از وجوه مهم تمایز حزب کمونیست کارگری ایران با جریان‌های دیگر این است که حزب سوسیالیسم را جنبشی می‌داند که تاریخاً وجود داشته و یکی از جنبش‌های موجود در حرکت‌های اجتماعی بوده است. مبارزه علیه سرمایه داری مابه ازای و یا نتیجه فعالیت کمونیست‌ها نبوده است هر چند احزاب کمونیستی در تدقیق و روشن کردن جنبه‌های مختلف و سیر رویدادها نقش داشته‌اند بلکه یک سنت و افق جا افتاده است که

پیوسته در جبهه‌های مختلفی انجام میگردد. سنت سوسیالیسم کارگری با دهها مسئله روبرو است و هر يك از این عرصه‌ها علی‌رغم ظاهر مستقل آن، ارتباط تنگاتنگی با هم دارند و بر سیر حرکت کل جنبش تأثیر می‌گذارند. حزب معتقد است که همه مسائل و معضلات جامعه به جنبش سوسیالیسم کارگری ربط دارد و باید در کلیه عرصه‌ها با همان دید انتقادی که تحول ریشه‌ای را مد نظر دارد شرکت داشت. مسئله زن، کودک، رفاه، مسکن، تشکلهای و اخراج و بی‌کاری، آزادی‌های سیاسی، لغو اعدام، دولت، غذا، پوشاک و ... از جمله مسائلی هستند که جنبش کمونیسم کارگری تلاش کرده که در آن دخالت نماید. بر اساس این متد حزب تاکنون نتوانسته است در عرصه‌های مختلفی موثر واقع شود. بعنوان نمونه منصور حکمت مسئله کودک

ادامه از صفحه ۱
گارد آزادی و...

خود صاحب بدعتی شوند. محمد فتاحی را که همه می شناسیم، همینجا اسمی از ایشان می آورم و از آن می گذرم. همین يك جمله در باره ایشان گفتن هم آدم را به دردسر می اندازد. اما دوست دارم در باره نوشته صالح سرداری تحت عنوان "چه کسانی و چرا با گارد آزادی مخالفت می کنند" چند نکته بگویم.

مبارزه می کنیم دشمنان طبقه کارگرتا دندان مسلح هستند، از جمهوری اسلامی و دستجات و باندهای نظامی آن مانند سپاه و بسیج تا گردان های استشهادیون و غیره و غیره از نیروهای راست و پروعرب طرفدار ایران یکپارچه و مرز پرگهر بگیر تا ناسیونالیست های کرد و قوم پرستان تا نیروهای که امریکا و غرب آنها را به همه امکانات نظامی و لجستیکی مجهز و مسلح خواهند کرد تا دستجات مسلح دیگری که بوجود خواهند آمد همه و همه به آسانی و بغاظر رای مردم کنار نخواهند رفت. این را نه فقط در ایران بلکه سال هاست که در خاورمیانه و ... می بینیم. جریان و حزبی که این اوضاع را درک نکنند و فکر میکنند دولتها و سرمایه داران روزی بدون اینکه طبقه کارگر صاحب نیروی نظامی و قدرت باشد کنار خواهند رفت فقط بی ربطی خود را به مکانیسم های تغییر و تحولاتی انقلابی و جایجایی قدرت نشان می دهند." (غلط غلط املائی و تایپی از متن اصلی است) توجه کردید؟! نیروئی که دزدکی در شبی تاریک يك نفر را می فرستد دو تا شعار روی دیواری بنویسد و یا دو تا اعلامیه پخش کند و یا پشت کامپیوترش و بسایستی را حک می کند، واقعا فکر می کند که با اسلحه های قايم کرده اشان در دوره کومه له قدیم برود و قدرت سیاسی را از دست نه تنها جمهوری اسلامی، بلکه از دست احزاب ناسیونالیست کرد و نیروهای پروعرب و غیره و غیره هم در بیاورد. اگر اینها اعتقادی به نیروی مردم و نیروی کارگر در این جامعه داشتند، مسئله چیزی دیگری می

شد؛ اما کسی مثل صالح سرداری واقعا فکر می کند زوری (ZORO) این جامعه است. (برای کورش مدرسی موضوع فرق می کند. پائین تر چند نکته در این باره خواهم گفت.) بعد از پاراگراف بالا نتیجه ضریب چاخانی هم می گیرد: "چیچی که امروز این را نمی فهمد و برایش نقشه ندارد و فکر می کند قدرت را روزی با تظاهرات و ... بدست خواهد آورد مکانیسم های مبارزه در مورد ساقط کردن دولت و درهم شکستن ماشین سرکوب بورژوازی هیچ حالیست نیست." چپی را که متوجه منطق صالح سرداری نیست، از درهم شکستن ماشین سرکوب بورژوازی هیچ حالیست نیست. من با زبان تفرعن درباره نوشته صالح سرداری حرف می زنم چرا که اگر کسی بخواهد به حزب کمونیست کارگری برخورد کند، سیاسی برخورد کند. متلك و فحش و بد و بیراه گفتن را بگذارد برای دعوی شخصی اش با مأمور آب و برق و مأمور اداره پست که نامه اش را گم کرده است. نباید کسی به خود اجازه دهد در جریان دعوی سیاسی به طرف مقابل خود لیچار بگوید.

اگر بخواهم به کل نوشته صالح سرداری بپردازم و تناقضات آن را با گفته های کورش مدرسی و دیگر اعضای رهبری حزب حکمتیست نشان دهم، دهها صفحه می برد. توصیه من به صالح سرداری این است که در اهداف کورش مدرسی دقیق شود و آن را با چشم باز ربط بدهد به "گارد آزادی".

اما يك سئوالی که من از صالح سرداری دارم این است که کجا حزب کمونیست کارگری گفته است ما با نیروی مسلح مخالفیم؟ گفته ایم اکنون هر نوع نظامی کردن جامعه به

که برود و اسلحه مقتدی صدر را بردارد. برای اینکه از زندگی و خانواده و محله اش دفاع کند. ما نمی توانیم از او دفاعی بکنیم او هم نمی تواند بنشیند و شاهد کشتار خانواده اش توسط این و آن بشود. فهمیدن این منطق سخت است؟ به نظر من برای کسی که سیاستش را بر این مینا گذاشته است، فهمیدن این منطق اصلا نباید سخت باشد! برای کسی که در این دنیا دعوا را بین فقط دو قطب مقتدی صدر و جورج بوش می بیند و به این راحتی می رود اسلحه مقتدی صدر را بر می دارد، راستش فهمیدن این نکته سخت است که چرا کل مردم عراق و ایران و لبنان نمی روند اسلحه مقتدی صدر را بر نمی دارند! "گارد آزادی" در مقابل سیاست های کلان کورش مدرسی در چند سال گذشته جایگاهی حاشیه ای داشته است. ایشان حتی به اعضای حزب خود رهنمود دادند که در تظاهرات های خیابانی در خارج کشور مرگ بر جمهوری اسلامی ندهند. کورش مدرسی دو حزب در عراق دارد اما اعضایش ترجیح می دهند که بروند اسلحه مقتدی صدر را بردارند! آیا کسی بهشان چنین رهنمود داده است؟ وقتی که از نظر کورش مدرسی مقتدی صدر نیروی مقاومت در عراق بر علیه نیروهای اشغالگر هستند، کمک لجستیکی کردن به آن جزو فرضیات است. کسی دیگر هیچگونه رتوریک را نمی تواند از هیچ عضوی از حزب حکمتیست و احزاب برادرش در کردستان و عراق بپذیرد. "گارد آزادی" اگر واقعا نیروئی هست و وجود خارجی دارد، در همین راستاست.

۶ نوامبر ۲۰۰۸

مبتنی بر واقعیات جامعه طبقاتی ایران است و مخالفت ما با طرح فدرالیسم را نیز باید در همین رابطه دید.

فدرالیسم بعنوان يك نظام اداری و حکومتی بر مبنای قومیت ساکنین کشور، پس از حمله امریکا در اوائل دهه ۹۰ از طرف بخشی از اپوزیسیون ایرانی و عراقی طرح گردید. شعار دست ساز فدرالیسم عمدتا ظرفی بود برای يك کاسه کردن منافع معین بعضی جریانها عظم طلب ایرانی و ناسیونالیستها و در راس آنها حزب دمکرات

میشود. اما تمایل شرایط بسیار غیر عادلانه سیستم سرمایه داری تنها با سرکوب و دستگیری فعالین و اعدام آنها کارساز نیست. ایجاد تفرقه در میان کارگران و مردم، بخشی از فعالیت روزمره فرهنگی و اخلاقی حکومت سرمایه داران را تشکیل میدهد. منتسب کردن مردم به مذاهب و ملیتهای مختلف و تراشیدن هویتهای کاذب قومی از جمله حربیه هائی است که طبقه حاکمه بر علیه مردم در دست گرفته است. تاکید ما بر هم سرنوشتی و اتحاد کارگران در سراسر ایران

ادامه از صفحه ۳ گفتگو با منصور فرزند در ...

مخالفت حزب با فدرالیسم بعنوان راه حل ستم ملی که عملتا از طرف جریانات ناسیونالیست مطرح میشود چیست؟

منصور فرزند: کارگران در سراسر ایران موقعیت و شرایط یکسانی دارند به این دلیل ساده که تنها صاحب نیروی کار خود هستند. کلیه امکانات جامعه را تولید میکنند اما خود از آن بی بهره اند و هر گونه اعتراض برحق آنها با صف سپاه و نیروهای انتظامی روبرو

ایجاد کند. در واقع به همان نسبت که شوراها شکل گرفته باشند پیاده کردن فرمانهای اقتصادی و سازمان دولتی سریعتر و قدرتمندتر پیش خواهد رفت. در حال حاضر ما مجمع عمومی را پیشرو ترین و ممکن ترین تشکل میدانیم که خود پایه شوراها آینده میتواند باشد.

ایسکرا: حزب برهم سرنوشتی کارگران و مردم در ایران تاکید دارد و برای برقراری جمهوری سوسیالیستی مبارزه می کند. دلیل

ایجاد کند. در واقع به همان نسبت که شوراها شکل گرفته باشند پیاده کردن فرمانهای اقتصادی و سازمان دولتی سریعتر و قدرتمندتر پیش خواهد رفت. در حال حاضر ما مجمع عمومی را پیشرو ترین و ممکن ترین تشکل میدانیم که خود پایه شوراها آینده میتواند باشد.

ایسکرا: حزب برهم سرنوشتی کارگران و مردم در ایران تاکید دارد و برای برقراری جمهوری سوسیالیستی مبارزه می کند. دلیل

گفتگو با یدی محمودی در رابطه با سالگرد تاسیس حزب کمونیست کارگری ایران

ایسکرا: اگر بخواهید از تلاشهای حزب در عرصه های مختلف صحبت کنید به چه جوانبی خواهید پرداخت؟ ارتباط این عرصه های گوناگون با یکدیگر را چطور توضیح می دهید؟

یدی محمودی: حزب کمونیست کارگری ایران در عرصه های بسیار متنوعی مشغول فعالیت و مبارزه است. این عرصه ها اگر به خلاصه ای از آنها بپردازم شامل اینها هستند: جنبش کارگری ایران و تلاش برای متحد و متشکل کردن کارگران و تقویت مبارزه هر روزه طبقه کارگر علیه بی حقوقی، علیه اخراج و بیکارسازیها، برای کسب حقوق های معوقه، علیه قراردادهای موقت که کارگران آن را بردگی مدرن می نامند و در یک کلام علیه بی حقوقی مطلق که امروزه طبقه کارگر ایران با آن درگیر جنگی گسترده و نابرابر است.

یکی از فعالیتهای بسیار مهم حزب راه اندازی تلویزیون کانال جدید بعنوان ابزاری جهت سازماندهی و هدایت مبارزات جاری در ایران است. امروز تلویزیون کانال جدید به صدای اعتراض و مبارزه کارگران ایران تبدیل شده و کمترین اعتراض

که حقوق کودک مرز و ملیت نمی شناسد و جهانشمول است به مباحث بسیاری از جریانات تبدیل شده، است. و یا شعار حقوق کودک بر هر مصلحت ملی، نژادی و مذهبی ارجحیت دارد عملاً به شعار توده ای در میان بخش بسیار وسیعی از مدافعین حقوق کودک در ایران تبدیل شده که ما آخرین نمونه این برخورد بدون تخفیف را در مراسمهای باشکوه امسال و قطعنامه های بسیار رادیکال و انسانی در دفاع از حقوق کودکان شاهد بودیم.

مبارزه علیه اعدام، حزب کمونیست کارگری اولین جریانی است که لغو مجازات اعدام، بعنوان قتل عمد دولتی را در برنامه خود گنجانده و نه تنها این بلکه تلاشهای ما و فعالین حزبی که در این عرصه درگیر هستند تا کنون توانسته تعدادی را از زیر تیغ جلادان رژیم اسلامی برهاند. در عرصه بین المللی هم اکنون رژیم اسلامی بعنوان رژیم قاتل و جنایتکار شناخته می شود که قطعاً بدون تلاشهای حزب ما این ممکن نبود. شخص مینا احدی بعنوان سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار اکنون جزوه چهره های بسیار محبوب شناخته شده بین المللی است.

مبارزه علیه اسلام سیاسی، ای از توجه مردم به فدرالیسم و یا قومگرایی در حرکات و اعتراضات و شعارهای مبارزاتی مردم ایران دیده نشده است. حزب کمونیست کارگری ایران در شکست پروژه فدرالیسم نقش اساسی داشت. نوشته " فدرالیسم شعاری ارتجاعی است " به قلم منصور حکمت و تلاشهای کادرهای این حزب در این زمینه بسیار موثر واقع شد. تا جایی که به ایران ربط دارد، فدرالیسم هیچگاه در جامعه ایران مورد استقبال قرار نگرفت و نقشه شوم فدرالیست چپ ها برای تبدیل جامعه ایران به یوگسلاوی و عراق خنثی شد. در

مبارزه علیه دو قطب تروریستی، مبارزه علیه دخالت مذهب در جامعه و زندگی مردم، مبارزه علیه ناسیونالیسم و قومپرستی، مبارزه در دفاع از حقوق فراریان از دست رژیم اسلامی و تلاشهای همبستگی فدراسیون پناهندگان ایرانی که تا همین جا به نجات جان هزاران نفر از دیپورت و سرنوشتهای شوم و نامعلوم انجامیده، دفاع از حقوق شهروندی میلیونها نفر از مهاجرین افغانستانی و مقابله با رژیم اسلامی در اخراج آنها و افشای جریانات ناسیونالیست در برخوردهای تحقیر آمیز و ضد انسانی به مهاجرین افغانی در ایران هم واقعاً از عرصه هایی بوده که ما و جریان ما بسیار پیشتر از حتی تشکیل حزب در آن دخیل بوده ایم.

در مورد قسمت دوم سوالاتان، باید گفت حزب کمونیست کارگری ایران به نظر من بر اساس جمله مشهور منصور حکمت که می گوید " اساس سوسیالیسم انسان است " و بر اساس دفاع از حرمت و شخصیت انسان در همه عرصه های مبارزه علیه بی حقوقی انسان و علیه نابرابری دخیل است و تلاش می کند به سهم خود نقش ایفا کند. ارتباط همه این عرصه ها را تنها می شود با تلاش شبانه روزی این حزب در امر متحد و متشکل کردن اکثریت

واقع فدرالیسم قبل از اینکه شکست امریکا در عراق محرز شود و سازمانها و احزاب فدرالیست چپ به بحران کشیده شوند، در ایران در نطفه خفه شد. واقعیات جامعه عراق و مصیبتی که برای مردم عراق فراهم کرده اند، اکثریت مردم را به موضع مخالف با این پدیده کشانده است. همچنان که دیدیم و می بینیم مرتجعترین افراد در دولت عراق ظاهر شدند و سازمانهای مذهبی و ملی یکی پس از دیگری در جامعه فعال شدند. امروزه " دمکراسی فدرالیستی " شان جز خون و بمب، جز نفرت پراکنی در میان مردم

بنویسند. در کردستان و به مناسبت گرامیداشت روز جهانی کارگر، فعالین بر روی بلندبها آتش روشن می کردند، در صورت امکان می توانند به همین مناسبت این شیوه را بکار گیرند و بر روی کوه آتش روشن کنند. ابتکارات زیادی را می توان

عظیم جامعه برای بزیر کشیدن رژیم هار اسلامی و برقراری جامعه ای شایسته انسان و برقراری جمهوری سوسیالیستی توضیح داد.

ایسکرا: فراخوان شما به کارگران و فعالین کارگری و اجتماعی در ایران به مناسبت سالگرد حزب چیست؟

یدی محمودی: فراخوان من به کارگران و همه انسانهایی که از فقر و نابرابری به تنگ آمده اند این است که بگویم حزب کمونیست کارگری ایران حزب شماسست، و اگر می خواهیم یک بار برای همیشه ریشه استثمار را بر افکنیم و به عمر ننگین رژیم اسلامی سرمایه خاتمه دهیم باید به این حزب پیوست و این حزب را تقویت کرد. باید خود را در این حزب متحد و متشکل کرد تا بتوان بمشابه گلوله ای آتشین به بساط دزدی و چپاول سرمایه داران و اخوندهای میلیاردر خاتمه داد، تا بتوان بر ویرانه های رژیم اسلامی جامعه ای عاری از فقر و نابرابری و جامعه ای شاد و انسانی، و یک جامعه سوسیالیستی را بنا نهاد که نه تنها در ایران بلکه موقعیت طبقه ما طبقه کارگر را در ابعادی جهانی تغییر دهد و الگوی باشیم برای تغییر این دنیای وارونه.

وقدرتگیری دار و دسته های مرتجع مسلح دستاورد دیگری برای مردم عراق نداشته است. نقد و مخالفت با فدرالیسم اکنون کار سختی نیست.

برخلاف تمامی طرحهای ضد بشری قومی و مذهبی و مردسالارانه، حزب ما برای برقراری یک نظام سیاسی و اداری غیر قومی و غیر مذهبی مبارزه می کند که در آن برابری حقوقی کلیه ساکنین کشور مستقل از قومیت، جنسیت، نژاد، مذهب، اعتقادات تضمین شده باشد.

بخروج داد که سالگرد حزب را به گونه های مختلف گرامی داشت و فعالیتهای خود را به مناسبت هفته همین سالگرد حزب در قالب گزارش، عکس و فیلم در رسانه های عمومی حزب منعکس کرد.

عمومی حزب منعکس کرد.

ادامه از صفحه ۴ گفتگو با منصور فرزند در ...

پرستی در ذهنیت مردم ندارد. فدرالیسم نه تنها راه حل هیچگونه تبعیضی، منجمله تبعیض و ستم ملی نیست بلکه خود باعث ایجاد عمیق ترین شکافها در صفوف طبقه کارگر و مردم بطور عموم است. حکومت نه بر پایه آرای سیاسی و انتخاب سیاسی مردم بلکه بر اساس برچسب قومی که بر آنها زده شده قرار است تشکیل شود. دولت فدرال نه از نمایندگان واقعی مردم بلکه از روسای مرتجع قبایل و شیوخ و سران احزاب ضد مردمی قرار است

گفتگو با عبدل ...

فعالین عرصه های اجتماعی نقش چشمگیری در این رابطه دارند و می توانند در این روز و یا طی چند روز در محافل و جمعهای خود حول سیاستهای حزب، تاریخ پر

ادامه از صفحه ۲

سال است زندگی شان توسط یک رژیم هار و ضد بشری به تباهی کشیده شده است. حزب کمونیست کارگری نماینده و سخنگوی آرمان و آرزوهای انسانی مردم است.

گفتگو با عبدل ...

افتخار ۳۰ ساله این جریان و تاریخ ۱۷ ساله تلاشهای بی وقفه حزب بحث و تبادل نظر کنند. می توانند در همه جا شعارهای حزب نظیر " زنده باد حزب کمونیست کارگری " زنده باد سوسیالیسم " مرگ بر جمهوری اسلامی را بر در و دیوار

گفتگو با محمد امین کمانگر در رابطه با سالگرد حزب کمونیست کارگری ایران

ایسکرا: شما اهمیت گرمی داشت تشکیل حزب را در چه چیزی می بینید؟

محمد امین کمانگر: من قبل از هر چیز می خواهم این واقعه عظیم انسانی و این روز تاریخی را به کارگران و زحمتکشان ایران و بخصوص خوانندگان ایسکرا تبریک بگویم. جواب سوال شما را میشود از زوایای مختلف پاسخ داد.

تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران بر می گردد به شرایط و اوضاع و احوالی که در آن چهره جهان بشدت از هر لحاظ تغییر کرده بود. و بشریت پا به تاریکترین و سیاهترین دوران خود گذاشته بود. شرایطی بود که بخش اعظم نیروهایی که خود را طرفدار چپ و سوسیالیست می خواندند دسته دسته به اردوگاه بورژوازی می پیوستند. در آن شرایط تب دمکراسی و دمکراسی طلبی جو و فضای ضد کمونیستی جهان را فرا گرفته بود. انسانیت و انسان دوستی علناً و عملاً انکار میشد. مرگ کمونیسم را جشن گرفتند و دیوار برلین را بر آن خراب کردند. پایان تاریخ را اعلام نمودند. در کشورهای غربی در کارخانه ها و مراکز کارگری کسی شهامت نداشت از سوسیالیسم و کمونیسم و از اندیشه های آزاد انسانی دفاع کند و از آن صحبت به میان آورد. این شرایط اسفناک جواب می خواست، بلندگو می خواست، نماینده می خواست، کسی را می خواست که جسارت تعرض به این تند باد جهانی را داشته باشد و از زیر این خوراها آوار کمونیسم را بیرون بیاورد و انسانیت را به کمونیسم و به سوسیالیسم باز گرداند و به شیوه خود کمونیسم علیه سرمایه و علیه آن اوضاع سیاه به کارش گیرد. آن نماینده آن نجات دهنده منصور حکمت و اعلام موجودیت و اعلام حضور حزب منصور حکمت و تعرض او به آن شرایط تاریخی بود. حزب کمونیست کارگری در رحم

کمر شکن دست و پنجه نرم کنند. تا دوباره بچه هایشان از آنان طلب چیزی کنند و آنان نا توان و عاجز از جواب دادن و بر آورده کردن نیاز و خواست بچه ها شرمند گردند.

هزاران زن و مرد جوانی که از فقرویکاری و آینده ای تیره و تاریک قدرت مقاومت را از دست داده و مرگ را بر زندگی غیر قابل تحمل تحمیل شده ترجیح می دهند و میلیونها کشته و زخمی قربانیان جنگهای خانمانسوز سرمایه داران. من اهمیت گرامیداشت این حزب را برای جواب دادن به نیازمندیها و آرزوهای نهفته در دل این انسانها می بینم.

و این را نیز اضافه کنم که فقط کمونیسم است فقط ما هستیم و حزب ما است که آینده بشریت را تضمین می کند.

ایسکرا: برخی معتقدند که برخورد حزب علیه مذهب برخوردی افراطی است. نظر شما در این باره چیست؟

محمد امین کمانگر: من می خواهم قبل از اینکه وارد بحث این افراط گرایی به قول بعضی ها بشوم، به دنیای بهتر برنامه حزب اشاره ای داشته باشم. در بندی از برنامه حزب چنین آمده است: " آزادی مذهب یا بی مذهبی و جدایی کامل مذهب از دولت. حذف کلیه مضامین و ارجاعات مذهبی و متأثر از مذهب از قوانین کشور.

تبدیل مذهب به امر خصوصی افراد. لغومقوله مذهب رسمی." این بیانگر این است که تا جایی که به حزب و به برنامه حزب ما برمی گردد ما خواستار آنیم که مذهب باید به عنوان امر خصوصی افراد اعلام گردد. هر کس آزاد است هر مذهبی را داشته باشد یا هیچ مذهبی نداشته باشد. تبعیض در

بین انسانها بنا بر اعتقادات مذهبی یا غیرمذهبی اساساً جایز نیست. یک مسئله را اینجا روشن کنم که ما مخالف مسلمانان و انسان مسلمان یا انسان مذهبی نیستیم، هر انسانی که برای انسانیت و برای آسایش و رفاه و برابری در بین انسانها مبارزه می کند چه مسلمان باشد و چه نباشد می تواند به حزب ما

بپیوندد. ما جنبشمان را هیچگاه از انرژی و توان انسانهاییکه در راه خدمت به آینده بشریت کوشش می کنند محروم نخواهیم کرد. حزب ما مخالف اسلام سیاسی است. اسلامی که دارد قدرت میگیرد و میلیاردها میلیارد پول پشت آن خوابیده و در سراسر جهان برای کشتار انسانها دارد سازماندهی می کند. اما این تفکری که در این شرایط و در این اوضاع و احوال جهانی که اسلام سیاسی در آن بر روی بشریت خون می پاشد، می گوید که حزب به مذهب بر خورد افراطی دارد چون معتقد است که توده ی مردم مذهبی هستند. این تئوری و این تفکر از پوپولیسم در میاید که ما سالها پیش این تئوری را نقد کرده ایم. به نظر من اینها از این افعی سمی می ترسند. همین حرفها همین بحثها، بنظر من یعنی باج دادن به این مذهب و به این اسلامی که خون مردم را در شیشه کرده است. عقب راندن ارتجاع مذهب فقط و فقط با دفاع روشن،

صریح و بی قیدو شرط از ارزشهای انسانی ممکن است. جریان ضد بشری که دارد مردم را دار می زند، انسانها را در اوج بی رحمی تا سینه فرو می نشاند و سنگسارشان می کند و به وحشیانه ترین شکل و شیوه انسانهارا سر می برند، زبان می برند، دست و پا قطع میکنند. هرروزه و هر ساعت به بشریت در اشکال گوناگون دارند تجاوز می کنند. انسان را هر روزه بی حرمت و بی ارزش می کنند. مذهب هیچگاه و در هیچ شرایطی بدون فشار تحولات سیاسی و اجتماعی پیشرو عقب نمی نشیند. اگر تاریخ اروپا را ورق بزیند جنایاتی که مذاهب در اروپا علیه بشریت انجام داده اند انسان از انسان بودنش شرمسار می گردد. حال حزبی آمده و در مقابل

این هیولای عظیم قد علم کرده و ایستاده است. دارد از انسان و انسانیت و از اندیشه های آزاد انسانی بی پروا دفاع می کند. می گویند حزب شما به این ماشین خون پاش افراطی برخورد می کند!!؟ پس اینجا سؤال بر عکس می شود. اساساً چرا مذهب اینقدر افراطی به انسان برخورد می کند؟ پس بخاطر

همین افراطی گریش به انسان نه فقط بعنوان یک جریان فکری و اجتماعی و فی نفسه خرافی و عمیقاً واپسگرا و فوق العاده تبعیض آمیز، که باید به نفوذ آن در تمام ارکان دولتی و زندگی اجتماعی مردم پایان داده شود. مذهب حتی بعنوان امر شخصی مردم هم مانع شکوفایی، آزادی، آزاداندیشی و خردمندی و تعالی شهروندان جامعه می گردد. مذهب همیشه اصلی ترین رکن طبقات حاکمه بوده و هست. حکومتهای طبقاتی برای اینکه مردم را از دخالت در سرنوشت خودشان باز بدارند و در مقابل اعتراض و شورش آنان را به تسلیم بکشانند، باید بگویند که شما اختیاراتان دست خودتان نیست سرنوشت شما در دست خدایی است که شما را خلق کرده است. یک قدر قدرتی در بالا نشسته و برایتان تصمیم می گیرد. شما هم جز تسلیم هیچ راهی ندارید و گرنه شمشیر بدستان خدا در روی زمین گرد نتان را می زند. کسانی که مذهب را به زور و به شیوه امروزی (طالبان و رژیم اسلامی ایران) و با کشتاری بی مرز به مردم تحمیل کردند طبقات دارا بودند. چون این سیستم و ساختار اقتصادی است که برای رام کردن و به سکوت کشانیدن توده ها به خزانه ای مانند مذهب احتیاج داشته و دارند. از برده داران باستانی تا سرمایه داران امروزی برای منافع خود مذهب را به انسان تحمیل کرده اند. فلسفه مذهب بعنوان یک ایدئولوژی و یک اعتقاد به بشر می گوید که سهمت در زندگی همین است که هست. آری مذهب فلسفه ای است که در آن فاصله ی بین برده و برده دار مالک و رعیت، فقیر و ثروتمند مقدس است. ثروتمندان همیشه به خدا نزدیک ترند.

حزب ما در مقابل این جنایات و در مقابل بی حرمتی به انسانها برای دفاع از سکولاریسم، برای دفاع از امنیت و آسایش و آرامش انسانها و برای کوتاه کردن دست مذهب از زندگی شاد مردم بی وقفه تلاش خواهد کرد.

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!